



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ ۸۸۸۸۰۷۱۹-۱
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن:۶۶۱۸۱۲۰-۵
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۶ اذان مغرب ۱۸:۱۶ اذان صبح فردا ۴:۳۱ طلوع آفتاب ۵:۵۵

به عبارت دیگر

تهران می‌تواند موزه هنرهای معاصر در فضای باز باشد، اگر...



احمد رضا دالوند

■ در تهران هنرمندانی زندگی می‌کنند که آثارشان با آثار هنرمندان بسیاری از ممالک صاحب هنر جهان قابل مقایسه است و می‌توانند در مناسبات بین‌المللی و در نمایشگاه‌های بزرگ جهانی سربلند و درخشان حضور پیدا کنند. بنابراین چرا نباید از تهران یک موزه هنرهای معاصر در فضای آزاد ساخت؟

برای این کار سه چیز لازم است: ۱) حسن نیت، ۲) تخصص و ۳) پول.

برای چنین کاری یقینا پول هست یا می‌توان به طرقی برایش فراهم کرد. اصلا باید از هر منبعی که شده پول چنین پروژه ملی و پراهمیتی را جور کرد. هر چند که پول به خودی خود تخصص و دانش و فرهنگ به همراه نمی‌آورد. افراد آزادند با پول محیط زندگی‌شان را هر طور صلاح می‌دانند بیارایند اما آنگاه که پول متعلق به جامعه است و باید با آن آثار هنرمندانه تهیه شود و در اختیار عموم قرار گیرد، دیگر متصدیان امور نباید به میل و سلیقه خود عمل کنند، بلکه لازم است از متخصصان و کارشناسان زبده کمک‌گیرند. حالا پاریس و هامبورگ و توکیو را مثال نمی‌زنیم، نگاهی به همین دویی ببیندازید که تا ۳۰سال پیش جز ریگ بیابان، ماسه ساحل و چند خانه به سبک معماری جنوب ایران، که آنها هم توسط مهاجران ایرانی ساخته شده بود، چیزی نداشت. شیوخ امارات بهترین معماران جهان و خلاق‌ترین طراحان دنیا را به کار گرفتند اما در اینجا ما نیازی به معمار و طراح اجنبی نداریم.

کافی است فکر کنیم تهران به‌عنوان یک کلانشهر و مرکز کشور در کجای جغرافیای سیاسی جهان قرار گرفته است؛ در این سو بغداد و در سئوید دیگر کابل قرار دارد. چه اخباری از کابل و بغداد به جهان مخابره می‌شود؟ چه تصویری از این دو شهر و سایر پایتخت‌های منطقه منعکس می‌شود؟ با حضور انبوه و مترکم این همه کارشناس و متخصص و تحصیل‌کرده در زمینه‌های متعدد چگونه می‌توان تصویر ناموزون و منظر طراحی نشده و غیر علمی و غیر هنرمندانه‌ای از تهران را تاب آورد؟ و به سخن دیگر، تصویری که باید از تهران منعکس شود به هزار و یک دلیل که این نوشتار مختصر شاید فقط یکی از آنها باشد، نباید شبیه به تصویر بغداد و کابل و سایر شهرهای منطقه باشد. مهم‌تر آنکه نباید شبیه به دویی و امارات نیز باشد که خوشبختانه نیست. چرا که تهران صاحب تاریخ، خاطره، قیام، حماسه، هویت و شناسنامه است. مردان و زنان بزرگی در این شهر بالیده‌اند و آثار و ثمرات زیادی در شاخه‌های مختلف هنر و ادبیات و علم و اندیشه در زیر آسمان تهران خلق شده و می‌شود.

می‌خواهم بگویم که آن دوی دیگر یعنی حسن‌نیت و تخصص موجود است. پول هم هست، شاید یک عامل چهارم هم در کار است که این نوشتار می‌کوشد به آن امیدوار باشد و نمی‌خواهد از فقدان احتمالی آن بگوید و آن مدیریت است که اگر کار از این ناحیه بلندگد، آن سه که گفتیم خوابی و خیالی و سرایی است و پس!

پرش از اخبار

صدر نشینی دوباره «بیل گیتس» در فهرست ثروتمندترین‌های آمریکا

■ نشریه «فوربس» فهرست ثروتمندترین‌های آمریکا را منتشر کرد. این در حالی است که «بیل گیتس» سرمایه‌گذار و مدیر شرکت مایکروسافت بار دیگر صدرنشین فهرست ثروتمندان آمریکایی شده است.

به گزارش تلگراف، گیتس هم‌اکنون ۵۹میلیارد دلار ثروت دارد. بیل گیتس ۵۶ ساله در سال ۲۰۰۸ میلادی، سومین مرد ثروتمند جهان پس از وارن بافت آمریکایی و کارلوس اسلیم بازگان مکزیکی شد. «وارن بافت» سرمایه‌گذار مشهور آمریکایی و رئیس شرکت Berkshire Hathaway با ۳۹میلیارد دلار ثروت، در رتبه دوم این فهرست ایستاده است. لری الیسون مدیرعامل اوراکل نیز با ۳۳میلیارد دلار ثروت در جایگاه سوم جای گرفته است.

مارک زوکربرگ، موسس و مدیر فیس‌بوک که سرمایه‌اش به ۱۰/۶ میلیارد دلار رسیده، چهاردهمین ثروتمند جهان است. در فهرست جدید فوربس نام چندن زن نیز به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به اپرا وینفری، مجری مشهور آمریکایی اشاره کرد. وی در رده ۱۲۹ این فهرست قرار گرفته است.

شش

روزنامه

یکشنبه ۳ مهر ۱۳۹۰ - ۲۶شوال ۱۴۳۲ - ۲۵سپتامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی۱۳۵۱ - شماره ۴۲۷ دوره جدید - ۲۰صفحه

یحیا

برای دکتر محمدباقر صدوق

دل‌مان به شما سبز است

پوری سوری



جدید «کارخانه آلومینیوم ایران» قد علم کردید و خواستید خط تولیدی که برای ۳۰ سال پیش بود و آلودگی بیش از حدش موجب افزایش سرطانات در اراک شده بود، تعطیل شود و تعطیلش کردید. آن روزها دفتر دیگر شما یعنی همان «مدیر گروه محیط‌زیست» دانشگاه آزاد، بسیار شلوغ‌تر از هر زمان دیگری بود. رفت‌وآمد خیل دانشجوهای رشته‌های مختلف به دفتر-تان نوید می‌داد و می‌گفت: «اینجا چراغی روشن است»

پس از آن هم کمابیش شما و دل شیر-تان را در دفاع از محیط‌زیست رصد می‌کردم. همین شما بودید که زمان تصدی-تان بر محیط‌زیست استان تهران، شخصا برای جلوگیری از تخریب پارک ملی سرخه‌حصار قفید و متجولان به محیط‌زیست با چوب و چماق بر سرتان ریختند و آن شد که نباید دستان لرزان‌تان یادگار همان ماجراست، نه؟

این سطور را برای قلب بیمار-تان می‌نویسم که سبزی ایران

و بالندگی مردمانش را می‌خواهد. نمی‌دانم چرا محمدی‌زاده

رئیس سازمان محیط‌زیست، معاون محیط طبیعی و ستون

خوشنام و کرامد سازمانش را اینچنین راحت از دست

می‌دهد و آیا حال بد محیط‌زیست ایران زین پس بدتر خواهد

شد، نمی‌دانم اما مطمئنم شما همچنان پدر دلسوز طبیعت و

محیط‌زیست ایران خواهید ماند و می‌دانم که می‌دانید دل‌مان

به شما سبز است.

نگاه

سه خصلت عمده ما آذری‌ها

بخشیده‌اند. شمس تبریزی، مولوی، خاقانی و... قبل از او به آن مبلات کرده بودند. شیریار در شعر فارسی تعلق فنی و ساختاری به گذشته زبان و شعر فارسی دارد اما آنگاه که استبداد در فکر تفرقه بود تا حکومت کند، او پلی بین پوش و تبریز می‌زند که پاسدار وحدت اقوام ایرانی باشد و حافظ فرهنگ و ادبیات، تنها امپراتوری بهجا مانده در تاریخ که به قول خودش سبند قیمت و ملیت سه‌هزار ساله ماست‌این سفر کرده اسطوره و استعاره و شخصیت و قصه خلق می‌کند تا به جاودانگی ایران جان بخشد و خاک بر چشم آنهایی بیاشد که نمی‌توانند ایران بیکارچاهی را مقاومت کرد.ایم و مدام پیگیر بوده و هستیم و زبان مادرِ می‌ان در حقیقت زبان صمیمیت بوده، چراکه زبان گپواره و دلمان مادر و کودکی است و به قول استاد شه‌ریار زبان مادری شیرین است و تعصب نباید داشت. ما این زبان را به قیمت جان و به بهای عمر مادر در بطن مام مهین به دست آوردیم. هرگاه غرایب و غربتی برای آذربایجانی حادث شده به زبان مادری دست یازیده‌ایم تا سیاست‌گریز از مرکز دشمن‌مان را به سیاست جالب مرکز دوسستان تبدیل کنیم. اگر روزی شیریار، حیدربا را خلق کرده و شور شیدایی را از اعماق زبان آذری بیرون کشیده و بی‌دل و فریادگر و سرشار از تلاطم هیجانی شعور آذری را با شعر به شعر میل کرده است؛ یامان باشد ادبیات آذری در دوره اشغال آذربایجان توسط مارکسیست‌های مسکو، مرام و حالت ایدئولوژیکی پیدا کرده بود که با هویت حقیقت‌جویی و مخالفت با دروغ و رایای ما تعارض پیدا کرده بود و حیدربا برای حفظ زبان مرام‌یمان از سقوط بود، چراکه بلندلانی مادر مشروطیت حسادت و خشم سیاست‌بازان را برانگیخته بود که بدنام‌مان کنند. یادم‌ان باشد دشمنان بلندنامان همیشه دوستان قدیم آنانند و متأسفانه همین امر موجبات تضعیف روح اتحاد ما را سبب شده است و اما یامان باشد که خالق حیدربا خالق قطعه تخت‌جمشید هم هست و هم او روزگاری که غزل و قصیده چون شمع می‌رو به خاموشی می‌رفت با طلوع و ظهورش شعر و ادبیات فارسی را محور کرد و در راستای نظامی، قطران، صائب، مولوی، پروین اعتصامی، ایرج میرزا و... به خیل بزرگائی پیوست که با خاصیت قوی روایی و قدرت مصالح آثار به لحاظ ساختاری شعر و ادبیات فارسی را غنا



خانواه مرحوم دکتر مهدی سمسار با حضور در دانشکده مطالعات جهان کتابخانه شخصی او را به دانشکده مطالعات جهان اهدا کردند. در این مراسم که دکتر کاظم معتمدنژاد و چهره‌های علمی دیگری در آن حضور داشتند، ابتدا دکتر یونس شکرخواه، رئیس موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا، به معرفی و ذکر ویژگی‌های شخصیتی مرحوم دکتر سمسار پرداخت و از وی به عنوان یک روزنامه‌نگار برجسته و عالمی دانشگاهی و مترجمی بی‌پروایی و صاحب سبک یاد کرد که با این اقدام خانواده او نسل جدیدی از دانش‌جویان به آتاز وصل می‌شوند. سپس دکتر معتمدنژاد سابقه آشنایی خود با مرحوم سمسار را از سال ۱۳۴۶ ذکر کرد. در دبیرستان هادیت که این آشنایی در روزنامه



یکشنبه ۳ مهر ۱۳۹۰ - ۲۶شوال ۱۴۳۲ - ۲۵سپتامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی۱۳۵۱ - شماره ۴۲۷ دوره جدید - ۲۰صفحه

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



چاپ تازه «مجموعه اشعار» منوچهر آتشی در راه است

«مجموعه اشعار» منوچهر آتشی هم‌زمان با هشتادمین سال تولد این شاعر فقید به چاپ سوم رسیده است و تا چند روز دیگر از سوی انتشارات نگاه ارایه می‌شود. منوچهر آتشی - شاعر و مترجم - دوم مهرسال ۱۳۱۰ در دهرود دشتستان متولد شد و ۲۹ آبان‌ماه سال ۱۳۸۲ در تهران درگذشت و در زادگاهش به‌خاک سپرده شد. «هنگ دیگر»، «آواز خاک»، «هیار در فلق»، «وصف گل سوری»، «گندم و گیلاس»، «چه تلخ است این سیب»، «زیباتر از شکل قدیم جهان»، «حادثة در بامدانه» و... مجموعه‌های شعر به‌جا مانده از منوچهر آتشی هستند.

کافه‌نشینی

از پاریس تا آکروپولیس

سحر عشقی‌ثانی



■ کتاب «از پاریس تا آکروپولیس» داستان واقعی دو سفر من است. سفر اول به کشور فرانسه و سفر دوم به کشور یونان. انگار بارها و بارها پشت آن میز چوبی در کافه‌ای در یونان می‌نشینم و بارها و بارها بوی خوش قهوه را حس می‌کنم. اولین بار که فکر چاپ کتابی به ذهنم رسید، در شهر آتن بود. در یک کافه نشسته بودم قهوه می‌نوشیدم و خاطر‌اتم را می‌نوشتم.در آغاز این سفر که از پاریس آغاز شد، در یک کافه کوچک در یکی از خیابان‌های فرعی پاریس نشسته بودم. حال و هوای این کافه مرا یاد مارگریت دوراس می‌اندازد. در پاریس بوی او به مشامم می‌رسد. چهره‌ای از دوران پیری‌اش جلوی نظرم است. گم شده‌ای دارد ناپیدا که او را لابه‌لای کاغذهای سفید پر شده از حروف قلمش می‌جوید. روح مارگریت دوراس در فرانسه در پرواز است. به هر کافه‌ای که می‌نگرم، او را می‌جویم.در مرکز فرهنگی ژرژ پومپیدو کافه‌های متعددی در کنار هم هستند پر از رفت و آمد. گروه ما شامل ۱۷ دانشجو بود که مشغول طراحی پوستری برای بیستمین دوره مسابقه بین‌المللی شمون بودیم. آثار را برای بر گزار کنندم‌های این مسابقه در فرانسه ارسال کردیم و با پذیرش آنها و دریافت دعوت‌نامه بود که رهسپار فرانسه شدیم و بعد از آن هم تنها عازم یونان. در مرکز جزیره ایثاکی در یونان محوطه رستوران‌ها و کافه‌هاست. در فضای خارجی این مکان‌ها تلویزیون نصب شده است. در رستوران‌ها و کافه‌ها جمعیت زیادی نشسته یا ایستاده مشغول تماشای فوتبال از تلویزیون بودند، در اینجا رستوران‌ها و کافه‌ها همه در خیابان‌ها و پیاده‌روها برپاست و تقریباً هیچ کس داخل محوطه سرپوشیده نمی‌نشیند.بهانه سفر یونان حضور در ورک شاپ گرافیکی به دعوت موسسه هنری دیزاین شاپ بود. در کافه‌ای نزدیک هتل هنگام صرف شام با سه دختر یکی اهل یونان و دو دختر ترکی‌های که اهل معماری و گرافیک بودند، هم صحبت شدم. در کافه هم صحبت شدن با افرادی از ملل مختلف جالب و تماشایی است. تنها زبانی که همه اینجا با آن آشنا هستند، انگلیسی است.قرار است بعد از پایان ورک شاپ سفری به آتن داشته باشیم. در لابی هتل نشسته‌ام و می‌نویسم. روبه‌روی خلیج بوی قهوه در فضا پیچیده دیشب فراهیم سفرارش می‌دهم؛ چرا که سعی می‌کنم تا زن‌ها زیاد از خانه بیرون روند و فقط مردها و پیرمردها برای گردش بیرون می‌رفتند. حالا دیگر چنین رسمی وجود ندارد. هنوز هم کافه‌هایی هستند که مخصوص مردهاست. علامت مردمان یونان این است که همیشه یک لیوان قهوه سرد همراه خود دارند.در کافه‌های یونان قهوه فراهیم سفارش می‌دهم؛ چرا که سعی می‌کنم تا اینجا حسرت مثل آنها زندگی کنم. آثار شهر زندهای است، کافه‌ها از شب تا صبح باز هستند و مشتری دارند. خیابان‌هایی که صبح‌ها ساکت و مردانه، در ساعت ۱۲ شب چنان پرشور و هیجان هستند که باورش مشکل است.روز بازگشت به ایران است. مردم در کافه نشسته‌اند و گپ می‌زنند و سیگار می‌کشند. همین روز بود که ذهنم رسید سفرنامه فرانسه و یونان را به صورت کتابی چاپ کنم؛ «از پاریس تا آکروپولیس».

کاروانسرا

اندر احوال

مدیرعامل جدید پرسیولیس

سارا فرهنگند

اگر آقای فرهنگند، به دست آرد دل ما را خودم را می‌کنم. پرت از بلندی نیاکار! از آن پرس و پولیس حالا، فقط بخش پلیس مانده که از بهر نجات نیمت، حبر کردند ناجا را پژو جای ژمان آید، دگر رویانان آمد کند لوله آیین پس او، زلال و بارسلونا را نمی‌دانم چطو شد، که حبیب آقا ولو شد که «و کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمارا» بدان شبه‌ها که ما خواهیم، مدیر تازه بیدار است و تمرین می‌کند تا صبح تکل از پشت یک پا را در این اوضاع و این احوال، نپرس او را چه به فوتبال؟ خدا چون می‌برد قهرچمن ما فصول‌ها را جریمه می‌نکن این‌سان، تو رو قرآن! جناب سروان! الهی که بَرَد تیمت، سوپر کاپ اروپا را رها کن نادر و سیمین، بین استیلی و پروین که این فیلم خفن حتماً بَرَد نِخلِ مغللا را جدا از آبی و قرمز، جدا از روزه و وز وز غزل گفתי و در سفتی، هزار ایول به تو «سارا»!

دیدهبان

لیبی جنبشی ملتی علیه مجنون

فریدون مجلسی



درست است که قذافی دیوانه بود اما همه دارایی کشور را نیز ندزدید! یا ذخیره بی‌حاصل نکرد. از نیز ماندن هر حاکمی مایل بود مرمنش باسواد و شهرش آباد باشد. وضع آموزش و بهداشت لیبی بسیار خوب بود و درصد باسودان و سطح آموزش مردمان زیر ۵۰هسال آن کشور از سایر کشورهای اسلامی بهتر است. همین بالاتر بود سطح آموزشی موجب دردرس آقای قذافی شد! تصور مرممانی صحرایی که در واحمهایی در بیابان‌های بی‌در و پیکر و بی‌فرهنگ زندگی می‌کنند، تخیلی ناشی از نگاه کردن به نقشه و ابعاد بیابانی آن کشور و اعمال جنون‌آمیز قذافی است که در سفرهای خارجی خیمه و خرگاه همراه می‌برد! بنا براین عناصری که برای تشکیل و هویت بخشیدن به یک ملت لازم است، اگر در نزد ملت لیبی بیش از دیگران نباشد، از هیچ ملتی کمتر نیست. برای من که از نخستین روز کودتای سرهنگ تاکنون تحولات آن کشور را تعقیب کرده‌ام و از ۲۰سال پیش هیکلاسی‌های لیبیایی اعزامی به بهترین دانشگاه‌های آمریکا را به یاد دارم، جای تردید نیست که «سواد» مردم لیبی برای بهرمندی از دموکراسی از دیگر کشورهای عرب بیشتر است. فقط شاید تونسسی‌ها از «فرهنگ» مدرن‌تر و عمیق‌تری نسبت به آنان بهرمند باشند. اینکه ببیندیشیم «تا همین اواخر این «ملت» به خوبی و خوشی زیر سایه او زندگی می‌کرده» به نظر من به هیچ‌وجه درست نیست. آنان گرفتار و در بند و فشار و تبعیض و سوءرفتار و فساد بی‌دلیل و ماجراجویی‌های یک رئیس کاملاً محیط بودند. آنان به‌رغم فشار و آراءب شدید در نخستین فرصت سر به شورش برداشتند اروپا و خصوصاً ایتالیا و فرانسه بسیار دیر به خود آمدند. سرانجام وقتی سرهنگ برای قتل‌عام مردمانش از زمین و هوا و به‌نگازی یورش آورد، به او نشان دادند که دست بالای دست بسیار

فصلنامه سیاسی – اقتصادی منتشر شد

نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس، طبقه متوسط جدید در ایران، تهدید یا فرصت، مدیریت هزینه هدفمند، اثر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان و... از دیگر مطالبی است که در شماره ۲۸۳ فصلنامه پژوهشی سیاسی – اقتصادی منتشر شده است.

شماره بهار این فصلنامه به قیمت ۲۰۰۰تومان در دسترس علاقه‌مندان است.



فصلنامه به صاحب امتیازی موسسه اطلاعات منتشر می‌شود.